

• دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

• تأیید ۱۴۰۰/۱۰/۰۷

واکاوی هنجارگریزی نوشتاری و دلالت‌های آن در شعر سعدی یوسف بر اساس الگوی زبان‌شناختی جفری لیچ

عباس نجفی*

ناصر زارع**

چکیده

خروج از هنجار رایج نوشتار یکی از گونه‌های هنجارگریزی است. هنجارگریزی نوشتاری که در تقسیم‌بندی لیچ یکی از هشت گونه هنجارگریزی محسوب می‌شود، هنگامی مورد استفاده شاعر قرار می‌گیرد که کلمات به تنهایی بار معنایی کافی برای انتقال پیام را نداشته باشند؛ ضمن این که این فرصت را به خواننده می‌دهد تا در تعامل با متن، برداشت آزادی داشته باشد. سعدی یوسف از شاعرانی است که هنجارگریزی نوشتاری در شعر او جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است؛ به گونه‌ای که می‌توان استفاده از هنجارگریزی نوشتاری را ویژگی سبکی او به شمار آورد. در پژوهش پیش رو سعی بر آن است تا با شیوه توصیفی-تحلیلی و با استناد به شواهدی که نشان‌دهنده آشنایی‌زدایی نوشتاری است، ابتدا نمونه‌های این نوع هنجارگریزی در شعر این شاعر عراقی مشخص شده و سپس توضیح داده شود که هنجارگریزی مورد بحث، در شعر او تا چه اندازه رویش طبیعی و بی‌تکلف داشته است. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین مصادیق هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف عبارتند از: جدا نویسی حروف واژه‌ها و استفاده از جای خالی، نوشتن پلکانی و عمودی سطرهای شعری، استفاده از اشکال هندسی و شکل تصویری اعداد، تکرار کلمات و ایجاد هماهنگی بین مفهوم واژه و شکل نوشتاری آن و تغییر اندازه قلم و به کارگیری واژه‌هایی از زبان انگلیسی. هدف از کار بست این نشانه‌های دیداری، جلب توجه خواننده و تأثیر گذارتر کردن کلام شعری در حوزه عاطفه و برجسته‌تر کردن عینیت معنا و همچنین تکامل پیام شعری است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر عرب، عراق، هنجارگریزی نوشتاری، لیچ، سعدی یوسف.

abbasnajafi3900@gmail.com

nzare@pgu.ac.ir

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر.

** دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

یکی از رویکردهای نقد ادبی جدید، نظریهٔ فرمالیستی یا صورت‌گرایی است. آشنایی زدایی از جمله مباحث مهمی است که صورت‌گرایان روس بر آن انگشت تأکید نهاده‌اند. از نظر آنان آشنایی زدایی در وهلهٔ اول روشی در نگارش است که در هر اثر ادبی برجسته‌ای دیده می‌شود. یکی از انواع هنجارگریزی شعر که جنبهٔ بصری و دیداری دارد، هنجارگریزی نوشتاری است. هنجارگریزی نوشتاری برآن است تا با گریختن از هنجارهای معمول نوشتار، ضمن جلب توجه خواننده به متن و سهیم کردن او در آفرینش هنری، به مدد اشکال حاصل از تغییر شکل متن، شعر را هرچه محسوس‌تر و ملموس‌تر کند. در این نوع شعر، شاعر تغییراتی را در سبک نوشتن کلمات و حروف و سطور شعری به وجود می‌آورد که تغییری در معنای اصلی کلام ایجاد نمی‌کنند ولی در تکمیل معنا نقش ویژه‌ای دارند. در هنجارگریزی نوشتاری، شاعر با عدول از هنجارهای معمول نوشتار، ضمن جلب توجه خواننده به متن و سهیم کردن او در آفرینش هنری، به مدد اشکال حاصل از تغییر شکل متن، شعر را هرچه محسوس‌تر و ملموس‌تر می‌کند. از نظر جفری لیچ، محدودهٔ مجاز پیش روی هنجارگریزی فقط تا جایی است که ایجاد ارتباط دچار مشکل نشود و برجسته‌سازی قابل تعبیر باشد (صفوی، ۱۳۹۰: ۴۷).

امروزه شعر نو دیگر مجرّد چینش کلمات در کنار هم و در قالبی مشخص نیست. اگر در گذشته، شعر صرفاً هنری کلامی محسوب می‌شد، شاعر امروز می‌کوشد تا با بهره‌گیری از تمام امکانات واژگانی و غیر واژگانی، پیامش را هرچه رساتر به گوش مخاطب برساند. به همین سبب، گاه شاعری در میان سطور شعرش سکوت می‌کند و از خواننده انتظار دارد تا ناگفته‌هایش را از خلال گفته‌هایش کشف کند. اهمیت این طرز تلقی در آن است که مخاطب شعر، در کانون اهمیت قرار می‌گیرد و از هیأت شنونده‌ای منفعل بیرون می‌آید و در لذت آفرینش هنری سهیمی به دست می‌آورد.

در میان شاعران معاصر، سعدی یوسف، شاعر عراقی، کوشیده است تا در اشعارش با هر چه دیداری تر کردن شعر، آن را از صرف جمله و کلمه و صوت بودن دور و به اشکال جاندار قابل لمس نزدیک کند. به بیان بهتر او کوشیده است تا شعر را بیشتر از آن که خواندنی باشد، تبدیل به موجودی دیدنی کند. از این رو می‌توان اکثر اشعار سعدی یوسف را شعر خواندنی نامید. در پژوهش پیش رو، مهم‌ترین گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش بر آن است تا با بررسی و تحلیل گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف، به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

- پرسامدترین گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف کدام است؟
- انگیزه شاعر از به کار بردن هنجارگریزی نوشتاری چیست؟

۱-۱. پیشینه تحقیق

تا کنون مقالات و کتاب‌های زیادی در مورد سعدی یوسف منتشر شده، اما با وجود اهمیت و جایگاهی که هنجارگریزی نوشتاری در شعر او دارد، تاکنون به این موضوع پرداخته نشده است. از جمله کتاب‌ها و مقالات نوشته شده در این زمینه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شعر سعدی یوسف؛ دراسه تحلیلیه (۲۰۰۱) که در آن، نویسنده کتاب، عثمان الصّمادی، به تحلیل اشعار شاعر پرداخته و در خلال بررسی اشعار، برخی از نمونه‌های شعر دیداری او را تحلیل و بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که سعدی یوسف، شاعری آگاه و واقع‌گرا است که دغدغه دردهای اجتماع را دارد و در راستای بیان تأثیرگذار دردهای اجتماعی، در شعر خود از فنون ادبی گوناگونی استفاده کرده است.

- «الإنزیاح الکتابی فی الشعر العربیّ المعاصر (دراسه و نقد)» (مجله دراسات فی

اللغة العربية وأدبها، العدد ۱۲: ۱۳۹۱) علی اکبر محسنی و رضا کیانی در این مقاله هنجارگریزی در شعر شاعران عرب معاصر را بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که شاعران نوگرا در بسیاری از موارد در ساختار شعری خود کتابت لغوی را با فرایندهای دیداری جمع نموده‌اند و با این شیوه درصد آن بوده‌اند که به دلالت‌های متنی خود جلوه‌ای دیداری ببخشند. اما نکته قابل توجه در این مورد آن است که گاهی این شیوه نه تنها به شعر زیبایی نبخشیده، بلکه آن را به ابتذال کشانده است.

- «آهنگ سفید در سروده‌های سعدی یوسف» از: رضا محمدی و عباس گنجعلی (دو فصلنامه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۷: ۱۳۹۲). در این مقاله، آهنگ سفید و تجلی آن در اشعار سعدی یوسف بحث و بررسی شده است. نویسندگان این مقاله بیشتر بر تنش سیاهی و سفیدی نوشتاری در اشعار سعدی یوسف تمرکز کرده و سیاهی نوشته را نماد صدا و سفیدی آن را نماد سکوت در نظر گرفته‌اند و ضمن اشاره‌ای گذرا به شیوه‌های آنچه که آن را آهنگ سفید نامیده‌اند، شواهد محدودی از چهار شیوه پراکندگی، نمایش‌های هندسی، جاهای خالی و روش بخش بخش کردن آورده و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که سعدی یوسف با به کارگیری روش‌های نو در ساختار شعر، تنش‌های جهان درونی خود را به تصویر کشیده و سعی کرده است پیوندی دو سویه بین خود و خواننده ایجاد کند و در این راستا از آهنگی به نام آهنگ سفید استفاده کرده است که فراتر از علم عروض است. نویسندگان مقاله به گونه‌های مهم هنجارگریزی نوشتاری در اشعار یوسف مانند: نوشتن پلکانی و عمودی سطرهای شعری، استفاده از اشکال هندسی و شکل تصویری اعداد، تکرار کلمات و ایجاد هماهنگی بین مفهوم واژه و شکل نوشتاری آن و تغییر اندازه قلم و به کارگیری وام واژه‌هایی از زبان انگلیسی پرداخته‌اند. با توجه به بسامد بسیار بالای هنجارگریزی نوشتاری در اشعار سعدی یوسف، مقاله

حاضر صرفاً به موضوع هنجارگریزی نوشتاری در اشعار او با تمرکز بر الگوی لیچ پرداخته و سعی بر آن است تا گونه‌های مغفول مانده هنجارگریزی نوشتاری اشعار سعدی یوسف در آثار پژوهشی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند تا این‌جا خلا پژوهشی به نحو مطلوبی پر شود.

- مقاله «بررسی هنجارگریزی نوشتاری در اشعار سمیح قاسم بر اساس نظریه لیچ» (دو فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادب معاصر عربی، شماره ۱۷: ۱۳۹۷) که بهروز قربان زاده نویسنده مقاله ضمن مشخص کردن گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در دیوان سمیح قاسم، به ارائه شواهد و تحلیل آن‌ها پرداخته و در پایان به این نتیجه رسیده که شاعر در جهت دیداری کردن شعر خود کوشیده است.

- «الانزیاح ودلالته الخبالیّه فی شعر مهديّ أخوان ثالث و سعدی یوسف» (دراسه مقارنه فی الصور الشعریّه المحوّله لدی الشاعریین) (بحوث فی اللغه العربیه و آدابها، العدد ۷: ۱۴۳۹ق). نویسندگان مقاله علی سلیمی و رضا کیانی حسّ آمیزی را به مثابه ابزاری ساختاری در شعر این دو شاعر بررسی نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که هنجارگریزی معنایی نزد اینان، توانایی خیالیشان را در کاربرد توان تعبیری نهفته در لغات عادی ظاهر ساخته است.

طبق بررسی‌های به عمل آمده، تا کنون در ارتباط با موضوع این مقاله، تحقیقی صورت نگرفته است و از آن‌جا که به کارگیری هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف از بسامد بسیار بالایی برخوردار است، پرداختن به این موضوع ضروری می‌نماید.

۲. هنجارگریزی نوشتاری و شعر دیداری

جفری لیچ، زبان‌شناس انگلیسی، هنجارگریزی را انحراف هدفمند از قواعد کلی زبان می‌داند و هنجارگریزی نوشتاری را یکی از هشت نوع هنجارگریزی می‌شمارد (ر. ک:

صفوی، ۱۳۹۰: ۵۳). شعر دیداری، شعری مدرن است که در طرز بیان خود به شیوه‌ای متفاوت، به ناچار در زیر مجموعه هنجارگریزی و برجسته‌سازی قرار می‌گیرد. علاوه بر این، شیوه خاص نگارش شعر دیداری، غبار عادت را از مسیر تماشای خواننده شعر می‌روبد تا جهان متن را پیش روی او بیگانه سازد. از نظر لیچ در هنجارگریزی نوشتاری، مخاطب با نوعی خلاف عادت نویسی مواجه است. از نظر او، این نوع انحراف از معیار، «افراطی و بیش از اندازه است» (leech, 1991: 47).

به دیگر سخن، در شعر دیداری، هیچ حسی به جز حس بینایی در فرآیند دریافت معنا دخالت ندارد و اساسی‌ترین تفاوت شعر تصویری با شعر دیداری در این است که شعر تصویری، شنیداری - دیداری است، حال آنکه شعر دیداری، نوشتاری - دیداری است. به تعبیر دیگر «ممکن است شعر تصویری بلند خوانده شود و همچنان معنی و شعر بودن خود را حفظ کند، اما در شعر دیداری این زمینه دیداری، افراطی است و کلیت و اساس آن بر صفحه کاغذ قرار دارد، نه در واژه‌ها یا واحدهای چاپ رایانه‌ای که آن را می‌سازند. از این روست که شعر دیداری را نمی‌توان برای تأثیرگذاری بر مخاطب با صدای بلند خواند، بلکه برای لذت بردن فقط باید آن را دید. چرا که واژه‌ها مانند اوبژه‌های دیداری روی کاغذ مرتب شده‌اند» (انوشه، ۱۳۷۶: ۸۹۷). به عقیده لیچ «نوعی از هنجارگریزی نوشتاری وجود دارد که به هیچ‌همتایی در حین گفتار نیاز ندارد» (leech, 1991: 47). یعنی شاعر دست به نوعی از نوشتار می‌زند که معادل آوایی ندارد. او ضمن بر شمردن هشت گونه هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، معنایی، گویشی، سبکی، زمانی و نوشتاری و تشریح هنجارگریزی نوشتاری با این توضیح که «چینش خط به خط حروف در صفحه چاپ شده شعر به صورتی که حاشیه سمت راست صفحه غیر عادی و غیر مرسوم باشد، مثالی کلیدی و واضح از این نوع هنجارگریزی است» (همان) به تبیین و تعریف هنجارگریزی نوشتاری می‌پردازد. در این نوع شعر، شاعر تغییراتی را در سبک نوشتن کلمات و حروف و سطور شعری به

وجود می‌آورد که در تکمیل معنا نقش دارند. «در دوران جدید، شاعران آوانگارد دست به ابداع در حوزه فرم و محتوا زده‌اند. از جمله ابداعات در حوزه فرم، پدید آمدن شعر دیداری است که سعی بر آن دارد تا با ریختن مفاهیم انتزاعی در قالب شکل و هندسه، ضمن عینی‌تر کردن مفاهیم ذهنی، متن را در برابر خواننده گشاده و قابل تأویل نگه دارد و از این رهگذر رابطه شاعر و مخاطب را صمیمی‌تر کند» (الکبیسسی، ۱۹۸۷: ۶).

در شعر دیداری، شکل و تصویر، نمود ویژه‌ای دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان این دو مشخصه را ویژگی اصلی این نوع شعر دانست. «عنایت ویژه به تصویر، مشخصه اصلی شعر دیداری است. در این نوع شعر، طرز نوشتار کلمات و مصرع‌ها و ابیات، در القای معنای ثانویه و نشان دادن تصاویر مورد نظر شاعر بسیار حائز اهمیت است» (عباس زاده و یوسفلو، ۱۳۹۴: ۲۲۳). شعر دیداری، شعری مدرن است که در طرز بیان خود به شیوه‌ای متفاوت، به ناچار در زیر مجموعه هنجارگریزی و برجسته‌سازی قرار می‌گیرد. شیوه خاص نگارش شعر دیداری، غبار عادت را از مسیر تماشای خواننده شعر می‌روبد تا جهان متن را پیش روی او بیگانه سازد.

در گذشته در ادبیات عرب، شاعران در زمینه دیداری کردن شعر، طبع آزمایشی‌هایی کرده‌اند. ولی آن طبع آزمایی‌ها در حد بازی‌های زبانی و سرگرمی باقیمانده است. تنها در دوران معاصر است که تغییر فیزیک کلمه معنای جدیدی بر متن اضافه می‌کند. در دوران معاصر، هنجارگریزی نوشتاری امری هدفمند، نقش‌مند و غایت‌مند شد. این نوع هنجارگریزی نخست در شعر شاعرانی مانند بدرشاگر السیاب و نازک الملائکه با از بین بردن تساوی طولی مصرع‌ها جلوه‌گری کرد و بعدها شاعران دیگری نشانه‌های دیداری ویژه‌ای را وارد شعر عربی کردند که از جمله برجسته‌ترین این شاعران، سعدی یوسف، شاعر عراقی است.

۳. هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف

سعدی یوسف از هنجارگریزی‌های نوشتاری خاص و متفاوتی برای هر چه بهتر جاگیر کردن پیام شعرش در ذهن و ضمیر مخاطب استفاده کرده که در زیر به ذکر نمونه‌های مهم و تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. جدا نویسی حروف واژه‌ها و استفاده از جای خالی

جدانویسی حروف واژه‌ها و استفاده از جای خالی، در جهان شعری سعدی یوسف جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است. شاعر با استفاده هنری از این دو گونه اسلوب، توانسته است در انتقال پیام اشعارش موفق‌تر عمل کند. جدانویسی حروف، باعث جلب توجه مخاطب شده و در موارد زیادی این جدایی و متلاشی شدن حروف، به متلاشی شدن واقعیتی اشاره دارد؛ به عنوان مثال، سعدی یوسف هرگاه در اشعارش نامی از عراق می‌برد، در اغلب موارد، کلمهٔ عراق را به حروف آن تجزیه می‌کند تا نشان دهنده تجزیه شدگی عراق باشد. در شعر «ایام ۱۹۶۳» سخن از مصیبتی است که بر عراق رفته و آن را تبدیل به کشوری تکه تکه کرده است.

هوایم‌ای جنگی بی‌رحمی - که در نظر شاعر در هیأت خوک و کوسه ظاهر می‌شود- دائم در کمین جوانان کشور نشسته است. عراق، سرزمینی توصیف شده که مشخصات و مختصات یک کشور واقعی را ندارد تا بتوان نامی بر آن نهاد و تنها حروفی از هم جدا بر صفحهٔ کاغذ است. در چنین فضایی چه امیدی به برخاستن و یکپارچگی عراق می‌رود؟ شاعر با جدا نوشتن حروف کلمه «عراق» این از هم گسیختگی و پاره پاره شدن را در مقابل چشمان مخاطب شعر قرار می‌دهد تا او این ویرانی را در قامت کلمات و به رأی العین ببیند.

«کانوا في عربات الشَّحْنِ تَوْرَجْهِمُ / مغلولینَ اینینِ اثنینِ / وکان «الخنزیر-الطائر»-

الکوسج یرقبهم / أي ع. ر. ا. ق. ینهض فی السیبه؟» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۲: ۱۲۲).^۳

در جدا نویسی کلمه عراق، همچنین اشارتی است به این معنا که عراق از نظر شاعر، وجود خارجی ندارد و تنها در چند حرف الفبا خلاصه شده تا شاعر آن را با خود زمزمه کند. این حروف با نقطه از هم جدا شده، نشان دهنده یأس شاعر از یکپارچگی دوباره است. گویی این نقطه‌ها مانند مانعی بر سر به هم پیوستگی حروف کلمه عراق قرار گرفته‌اند. وقتی که این جدا نویسی در کلیت متن و در محور عمودی و در کنار کلماتی مانند خوک و کوسه و هواپیما - که هر سه ویرانگی و دژندگی رابه ذهن متبادر می‌کنند- قرارگیرد، تصویر کانونی شعر که تصویر کشوری تکه تکه شده و مصیبت زده است، به نحو تأثیرگذارتری منتقل می‌شود. نمونه برجسته دیگری از جدانویسی حروف را در شعر «ابتداء» می‌بینیم. آن‌جا که ظهري طولانی و کش‌دار در فضایی سرشار از خستگی و دلزدگی و پژمردگی عرض اندام می‌کند:

«وسوف تسأم زاویه الشام أيضاً / ونبتتها وهي تذبذب خلف الزجاج / وسوف تردّ في السّر: / إني أبيت لكي / احتمي بالزجاج / الظّهيره / و / / ق / ف / ه / والشجيرات من طرف العين تلمحها» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۳: ۲۸۵).^۴

کلمه تجزیه شده «واقفه» به خوبی گستردگی و تسلط و طولانی بودن ظهري کسالت‌بار را نشان می‌دهد. در این‌جا حروف جدا شده در طول هم قرار گرفته‌اند تا القاء کننده درازای زمان نیز باشند. علاوه بر این، حروف و فاصله بین آن‌ها می‌تواند وجود و عدم توأمان سایه را در ظهري مورد نظر تصویر کند.

استفاده از جالی خالی، گونه‌ای دیگر از هنجارگریزی نوشتاری است که سعدی یوسف بسیار از آن استفاده کرده و به مدد آن، دست مخاطب را در برداشت دلخواه از متن باز گذاشته است. در شعر «أغنية الصّرار» شاعر حسرت غافل شدن و ندیدن و نوشتن را می‌کشد و از خود می‌پرسد که از چه چیزی و برای که بنویسد در حالی که پیش از این، از این دست مسائل تکراری بسیار نوشته است؟ جایی که خود او هم برای این سؤال جوابی ندارد، این جای خالی می‌تواند به بهترین وجهی بازتاب دهنده

سکوت مطلوب شاعر در آن لحظه باشد:

«رَبِّمَا سَأَلْتُ نَفْسِي أَلَانَ، عَمَّا أَكْتُبُ أَلَانَ... / لماذا أكتب أَلَانَ؟ / وفي أيِّ مكانٍ أكتب أَلَانَ؟»

.....

.....

.....

ألم يتعبك نصفُ القرن من العابك؟» (يوسف، ۲۰۱۴، ج ۵: ۱۹).^۵

در شعر «خدیعه» سخن از کسی است که ساکن خانه سالمندان است، اما از مناظری نامتناسب با محل سکونت و نحوه سلوکش می‌نویسد. مناظر توصیفی او عبارتند از: خانه‌ای روستایی، روباه و آهوان و سنجاب‌ها، بالکن‌ها و پنجره‌ها و درخت‌های درهم پیچیده و دریاچه‌هایی مملو از ماهی طلایی و ریگ. اما این فقط بخشی از توصیفات آن مناظر دلفریب مزورانه است و شاعر مجال و حوصله‌ای برای ذکر همه آن‌ها ندارد. بنابراین، با نظر داشت وقت و حوصله مخاطب مدرن خود، با گذاشتن نقطه چین به مخاطب اجازه می‌دهد تا هر چه از قبیل توصیفات پیشین را در ذهن دارد، به فراخور مجال و حوصله خود، به مجموعه توصیفات ذکر شده، بیفزاید.

«إِن كَانَ مُقَامِكَ هَذَا، فَلِمَاذَا تَخَدَعُنَا؟ / تَكْتُبُ عَنِ بَيْتٍ فِي الرَّيْفِ (كَأَنَّكَ مِنْ عَائِلَةِ مَالِكَةٍ) / وَتَدَاعِبُ غَفْلَتَنَا إِذْ تَحْكِي عَنِ مَرْجٍ وَحَدَائِقٍ / عَنِ ثَلَبِ فَجْرِ / وَغَزَالِ بَرِّي عِبْرَ السِّيَاحِ / وَسَنَاجِيبِ / وَتَكْتُبُ عَنِ شَرَفَاتٍ وَنَوَافِدٍ / عَنِ أَشْجَارٍ غَامِضَةٍ / وَخَيْوَلِ تَقْتَطِفُ الزَّعْتَرَ عِلْفًا / وَبُحَيْرَاتٍ يَتَرَقَّرِقُ فِيهَا سَمَكٌ ذَهَبِي وَحِصَا

وَمِرَاعِي أَشْنَاتٍ وَ...إِلْخ...

.....

.....

.....» (همان: ۲۲۸).^۶

گویی در فرصت میان این فواصل، علاوه بر صرفه جویی در وقت شاعر و همچنین دور نیفتادن او از پیام محوری سروده، مخاطب شعر می‌تواند در خلق تابلوی کسی که ساکن خانه سالمندان است سهیم شده و در لذت آفرینش هنری، شریک شود.

۳-۲. نوشتن پلکانی و عمودی سطرها

نوشتن پلکانی و عمودی سطرهای شعری باعث به وجود آمدن شکل هندسی خاصی می‌شود و جنبه دیداری شعر را تقویت می‌کند. در صورتی که پلکانی یا ستونی نوشتن سطور شعری، تولید کننده معنای جدیدی باشد یا به تقویت معنا و تثبیت آن در ذهن مخاطب و اثر گذاری کلام کمک کند، ارزش فنی و هنری پیدا می‌کند. «گاهی شاعر همه مصرع‌های شعر را از سر سطر آغاز نمی‌کند و با آرایش خاصی آن‌ها را می‌نویسد. در این هنگام معمولاً جمله را نیمه تمام رها کرده، شعر را از همان جا آغاز کرده و شعر حالتی پلکانی پیدا می‌کند. این شیوه تأکید، اغلب برای تأکید بر هر یک از واحدهای معنایی صورت می‌گیرد و هر یک از آن‌ها را در سطری جدا قرار می‌دهد» (صالحی نیا، ۱۳۸۲: ۸۸). در شعر زیر نمونه برجسته‌ای از نوشتن پلکانی سطور شعری دیده می‌شود:

«لکتنا سنراک یا نخل «السماوه»

یا مژهراً بالطلع والعصفور، یاجسراً سماویاً-

تتام علی قناطره الکروم

الیوم نمضی:

لا وداع

ولن نقول

إلی اللقاء

فاللیل یخسر ساعه آخری.

لقد غرق المساء
 في لجة الطيني.
 أن البط عبر الضفة الاخرى يعوم
 والفجر يبني عشه القاني

وتتبرد النجوم» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۱: ۴۱۸).^۷

فضای این شعر منجمد و راکد است. در شبی تیره که هیچ آوایی به گوش نمی‌آید، آسمان در لجه‌ای گلین غرق شده و ستاره‌گان یخ زده‌اند. با این حال شاعر از امید واهی دیدن دوباره نخل‌های وطن سخن می‌گوید. در چنین فضایی که شاعر موقتاً رفتنی است، با پلکانی نوشتن کلمات، حیرت و یأس خویش را از چنین جو غم‌زده‌ای برجسته و نگاه مخاطب را بر روی آن میخ‌کوب می‌کند. ضمن اینکه از لحاظ فرمی نیز پلکانی نوشتن کلمات، با شکل کلمات «قناطر» و «جسور» ارتباط ارگانیک پیدا می‌کند و مفهوم این دو کلمه در ادامه شعر تجسّد عینی پیدا می‌کند. با توجه به مفهوم کلی شعر، کلماتی که به صورت پلکانی نوشته شده‌اند، مفهوم وداعی از سر اجبار را القاء می‌کنند. بنابراین نوشتن پلکانی کلمات با مکث و توقف می‌تواند به رفتن همراه با توقف و مکث حاکی از دو دلی شاعر اشاره داشته باشد. در شعر دیگری با عنوان «نهر» آن‌جا که سخن از انعکاس تصویر آسمان در آب و لرزش این تصویر است، چنین می‌گوید:

«السّماء علی الماء مخضّله

وهو فی الماء مضطربٌ- ساکنٌ. هو فی الماء

مضطربٌ- ساکنٌ

ساکنٌ

ساکنٌ» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۲: ۲۰۸).^۸

اضطراب و سکون آب می‌تواند، بازتاب‌دهنده اضطراب و سکون درونی شاعر

باشد. این حالت پر نوسان، در قالبی پلکانی ارئه شده تا علاوه بر این که تداعی‌گر شکل سطح گاه مضطرب و گاه ساکن آب باشد، با سه بار تکرار پلکانی کلمه «ساکن» و ذکر تنها یک باره کلمه «اضطراب»، سکون و رکود مداوم آب را پس از اضطرابی موقت نشان دهد.

نوشتن عمودی سطور شعری نیز در اشعار سعدی یوسف به نحو چشم‌گیری جلوه‌گری می‌کند. منظور از نوشتن ستونی، نوشتنی است که «کلمات بر روی برگه به شکل ستون، چنان که سطرهای کوتاه، یکی بعد از دیگری و در زیر هم نوشته شود» (الخفاجی، ۲۰۰۳: ۲۶۳). نوشتن به شکل ستونی و ریزشی و قطره‌ای، نقش زیادی در وارد کردن شوک به ذهن خواننده و وادار کردن او به جستجوی منطق نهفته در پس پشت عمودی نویسی دارد (ر. ک: عثمان، ۲۰۱۴: ۱۷۰). نمونه‌ای از عمودی نویسی را می‌توان در این پاره از شعر «الشعر» دید:

«من هسّم هذي المرآه / ونثرها / كِسراً / كِسراً / بين الاغصان؟» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۲: ۷۳).^۹

ترجمه: (چه کسی این آینه را شکست / و آن را تگّه تگّه / در میان شاخه‌ها پراکند؟) سخن از شکستن و تگّه تگّه شدن آینه‌ای پراکنده در میان شاخه‌ها است. سه کلمه‌ای که به صورت عمودی نوشته شده‌اند، بر شکستن دلالت دارند. شکستی که ملائم از هم گسیختن و فروریختن است. چنین این سه کلمه به صورت قطره‌ای و ستونی، تصویری از شکستن را پیش روی مخاطب می‌گذارد تا آنچه که اتفاق افتاده را با چشم ببیند و باور کند. اگر شاعر می‌خواست فقط در گوش مخاطب زمزمه کند که شکستی اتفاق افتاده، شاید آن تأثیر لازم را نداشت. در ابتدای شعر دیگری با عنوان «خراسان» چنین می‌خوانیم:

«خراسان ترهف في البعد / بيضاء / بيضاء / شفافة / وحريريه / رّما تستدير
تفاصيلها في غبار الطريق إلى «مشهد» / أو بساتين «شيراز» (همان: ۷۷).^{۱۰}

در این شعر، در چند جای دیگر نیز وقتی که شاعر نام «خراسان» را می‌برد، صفات خراسان در ستونی از کلمات ظاهر می‌شوند؛ به عنوان مثال در ادامه همین شعر، کلمات را به صورت قطره‌ای و ستونی آورده تا در هماهنگی با عبارت «تنبض فی القلب» یادآور ضربان تپنده قلب باشد:

«خراسان تنبض فی القلب / بیضاء / سوداء / هفهافه / وحریریه» (همان: ۷۸).^{۱۱}

این ستون طویل ضمن اشاره به گستردگی خراسان قدیم، دوری خاطرۀ خطۀ محبوب شاعر را به ذهن متبادر می‌کند. این خطۀ روشن شفاف حریری، از نظر تاریخی و جغرافیایی، چنان از شاعر دور است که به ناچار با حسرتی از آن یاد می‌کند و می‌کوشد تا دوری و گستردگی قلمرو تاریخی آن را در شکل ستونی بلند به خواننده نشان دهد. ستونی نوشتن کلمات در تمام شواهد بالا، با تکیه خاصی که بر روی کلمات ایجاد می‌کند، باعث خوانش صحیح‌تر شعر نیز می‌شود. دو گونه پلکانی و عمودی نویسی سطور، هر دو از این نظر که نقش مجسم کردن معنا را دارند، کارکرد یکسانی می‌یابند.

۳-۳. استفاده از اشکال هندسی و شکل تصویری اعداد

یکی از روش‌های سعدی یوسف برای جلب توجه مخاطب، چیدن سطور شعری به نحوی است که در نهایت شکلی هندسی را به وجود بیاورند. توجه به اشکال هندسی از دوره اندلس آغاز شد و در دوران معاصر نیز شاعران به این اشکال توجه نشان دادند. «روشن است که توجه به فضای متن شعری و پرداختن به کیفیت آن به دوره اندلسی بر می‌گردد؛ جایی که شاعران به اهمیت ساختمان مکان متن پی بردند و ارزش‌ها و بن‌مایه‌های زیبا شناختی آن را - که همسنگ موسیقی شعر بود- دریافتند» (بوسیسی، ۲۰۱۲: ۳۹). به کارگیری شکل مستطیل و مربع و مثلث، علاوه بر این که در زیبایی خطوط شعری تأثیرگذار است، اگر متناسب با محتوا و مفهوم به کارگرفته

شود، نقش به‌سزایی در تأثیرگذاری سخن دارد. یکی از هنرمندان‌ترین موارد به کارگرفته شده در مجموعه اشعار سعدی یوسف، جایی است که از اوج گرفتن پرنده‌ای و سپس محو شدن تدریجی‌اش سخن می‌رود:

«متدافعُ قَصَبِ البُحیره طائرٌ یختفی فی سماء سماویه

طائرٌ یختفی فی سماء

طائرٌ یختفی

طائرٌ» (یوسف ۲۰۱۴، ج ۵: ۱۱۲).^{۱۲}

چینش سطور به گونه‌ای تنظیم شده است که به تدریج و با اوج گرفتن پرنده، سطرها کوتاه‌تر می‌شوند تا جایی که سطر هشت حرفی ابتدایی، در سطر چهارم تا حد یک حرف تقلیل می‌یابد. آن چنان که گویی پرنده‌ای به آن بزرگی، چنان اوجی گرفته، که در نهایت در نظر تماشاچی، به نقطه‌ای بدل شده است. این تصویر و تجسیم، طرحی از پرواز را در قالب کلمات به نمایش می‌گذارد. در شعر «المترحلون» چنین می‌خوانیم:

«لم نَعُدْ تحتَ نجمِ الرُّعاهِ القدامی

لم نَعُدْ تحتَ نجمِ الرُّعاهِ

لم نَعُدْ تحتَ نجمِ

لم نَعُدْ...» (همان: ۳۸).^{۱۳}

بیرون آمدن از زیر سیطره ستاره چوپانان قدیمی که به صورت تدریجی اتفاق افتاده، در مصرع‌هایی که به صورت تدریجی از کلمات آن کم می‌شود، تجلی پیدا کرده است. شاعر می‌خواهد بگوید که رفته رفته از زندگی طبیعی چوپانان فاصله گرفتیم و در دامن شهر و مشکلاتش آویختیم و اکنون ساده لوحانه دلخوش به سرودی هر چند قلبی که طنینی طبیعی داشته باشد، هستیم. شکل هندسی ایجاد شده با کلمات، به خوبی این فاصله گرفتن تدریجی از گذشته را انعکاس می‌دهد.

ضمن این‌که از منظر زیبایی‌شناختی ظاهری نیز اشکال هندسی ایجاد شده، در جلب توجه خواننده تأثیر به‌سزایی دارند.

سعدی یوسف در اشعارش از شکل نوشتاری اعداد، صرفاً جهت جلب توجه مخاطب، بهره فراوان برده است؛ به عنوان نمونه، در ابتدای شعر «نافذه فی المنزل المغربي» چنین می‌گوید:

«أ بعد ۱۲ سنه... / دون أن ألمح الباب أو ألمس الشارعا / ودون زهور الحديقه تمنحني الارج الضائعا / أ بعد ۱۲ سنه... لم أجد وجهك الحلو فيها / ولو لحظه / ولولحظه في مرايا النخيل الهشيمه / ولو في الافق المغربي / أ بعد ۱۲ سنه...» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۱: ۳۵۹).^{۱۴}

در عدد ۱۲ تأکیدی وجود دارد. از سیاق کلام چنین برمی‌آید که شاعر از عدد ۱۲ زمان درازی را اراده کرده است و تکرار چند باره عدد ۱۲ همراه با شکل ویژه نوشتاری آن، اهمیت این زمان طولانی را برجسته‌تر می‌کند. در نگاه اول، آنچه در متن جلب توجه می‌کند، همین چند عدد ریاضی است و بعد از آن، سایر اجزای متن در کانون توجه قرار می‌گیرد. از دیگر نمونه‌های برجسته به‌کارگیری عدد، شعر «معجزه مطلع ۲۰۱۳» است. در این شعر بر شومی عدد ۱۳ تأکید ویژه‌ای می‌رود:

«إني أنشاءم مثل كثير من الرّم / أنا لا أسكن الغرفه / ۱۳ / في الفنادق / منزل أوكتافيا في برکسل کان يحمل رقمي المخيف / ۱۳ / (ولهذا سلبت قلاّده بغداد ليل المحطه) / رحله الشؤم نحو الشواطئ مسقط كانت شباط / غرفه العمليّات حيث يموت النبي هي الغرفه / آخر منفي أعيش به الآن يحمل رقمي العنيف / وإلى أن أموت أظلّ أشيخ عن الرقم» (همان: ۱۲۴).^{۱۵}

تمام اتفاقات شوم زندگی شاعر با عدد ۱۳ ارتباط داشته است و اکنون او مثل بسیاری از مردم، این عدد را خوش‌یمن نمی‌داند. ارتباط اتفاقات مهم زندگی شاعر با این عدد، باعث شده که او با تکرار و نوشتن ریاضی‌وار، به این اهمیت تشخص ویژه‌ای ببخشد.

۳-۴. تکرار کلمات و هماهنگی میان مفهوم و شکل

تکرار در صورتی که در خدمت فکر حاکم بر متن باشد، نقش کم نظیری در برجسته سازی دارد. سعدی یوسف به کزات از تکرار کلمات و عبارات جهت جاگیری هرچه بهتر مفاهیم شعرش در ذهن مخاطب یاری جسته است؛ جهت نمونه می‌توان به شعر «صبح الخیر ائبها الفاکهانی» اشاره کرد که شاعر در آن مهربانانه به انسان‌هایی در مشاغل و حرفه‌های مختلف صبح به خیر می‌گوید. این صبح به خیر در نقطه نقطه شهر و نزد افراد مختلف تکرار می‌شود. در محور عمودی، شعر فضایی شاد و انسانی و مهربانانه دارد و بار شاد و مهربانانه‌ای که در عبارت «صبح الخیر» و پخش شدن آن در نقاط مختلف متن دارد، این رنگ شاد را بر سرتا سر شعر پاشیده است. گویی همان‌گونه که شاعر در جای جای شهر، به افراد مختلف صبح بخیر می‌گوید، این عبارت را در جای جای شعر هم می‌نشانند تا فضای شعر نیز همچون فضای شهر، پر از صبح بخیر گفتن شود:

«صبح الخیر / صباح الخیر عَمَّال القمامه / للمُذِيعه / للشباب المتعبين من التَّعْاش / لصمت «تولیدو» / لمن عرض «الشغيلة» مَرَّتین علی / للطلاب یجتازون فی المقهی مراحلهم / صباح الخیر / صباح الخیر للثورات تنفجر / للثوری فی المقهی: صباح الخیر! / للثوری فی قلبی: صباح الخیر! / لإمراتی صباح الخیر / صباح الخیر! / صباح الخیر! / صباح الخیر!» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۲: ۳۰).^{۱۶}

در شعر «مادونا» نیز شاعر نام مادونا را در نقاط مختلف شعر تکرار می‌کند. تکرار نام مادونا برای شاعر به خاطر دل‌بستگی‌ای که به صاحب نام دارد، دلپذیر است. این تکرار، مادونا را برای خواننده به اندازه جایگاهی که نزد شاعر دارد، پر اهمیت می‌کند: «فی وجه أمراه أعرفها / فی الهجره نحو الهجره / فی شجرات التین: / مادونا / مادونا / مادونا / مادونا / مادونا / مادونا / فی رمل المتراس / فی لفتات اللسان / فی الرِّشاش الصامت / فی ثقہ الحُرَّاس / فی الزَّهره تلتف علی الحبِّ الأوَّل / فی لغه الانفاس» (همان: ۱۰۹).^{۱۷}

از دیگر گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در شعر سعدی یوسف، کاربست حروف یا کلماتی است که بین مفهوم آن‌ها و شکل نوشتاری‌شان تناسب برقرار است. به عبارت بهتر، جان‌دار کردن و معنادار کردن مفهومی خاص از طریق تداعی آن مفهوم به کمک حروف یا کلمات، از جلوه‌های دیداری‌ای است که می‌تواند متن را هرچه بیشتر تأثیرگذار کند. در مقطع زیر، زوزه ممتد و کش‌دار باد متناسب شده است با تکرار به جای حروف «واو» که روی هم رفته امتداد زوزه باد را تداعی می‌کنند:

«طلقه هذه الروح... / كالريح تعوي وتذوي / كالريح تذوي فتعوي / وكالريح تعوي... ووووووووووي» (یوسف ۲۰۱۴، ج ۵: ۱۱۲).^{۱۸}

در شعری دیگر، وقتی شاعر گوشش را تیز می‌کند، صدای زوزه دور دست روباه‌ها و گرگ‌ها به این صورت به گوش می‌رسد:

«قيل إنَّ الثَّعالبَ قد تظهر الآن / إنَّ قطيع الذئاب على عتبة الباب / أرهفتُ سمعي: ووووووووووو / أرهفتُ سمعي: ووووووووووو / سوف أوقد ناري إذا عسعس الليل» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۲: ۲۸).^{۱۹}

تکرار حرف «واو» شکل نوشتاری خاصی ایجاد کرده که با مفهوم زوزه کشیدن هماهنگی دارد و همین امر، پای مخاطب را به میان می‌کشد تا اصوات را بشنود و شعر را هر چه بیشتر لمس و در نتیجه باور کند.

۵-۳. تغییر فونت و استفاده از واژگان انگلیسی

تغییر فونت (اندازه حروف) وقتی تأثیرگذار می‌شود که مخاطب با متن مکتوب مواجهه شود. این نوع هنجارگریزی نوشتاری، در خوانش شفاهی شعر منتقل نمی‌شود. تغییر فونت عمدتاً با هدف برجسته سازی مفهومی خاص صورت می‌گیرد و بقیه مفاهیم را به پس زمینه می‌راند و همین عامل موجب برجسته شدن مفهوم کلمه یا عبارت تغییر فونت یافته می‌شود. «رابطه عنصر برجسته شده با عناصر پیرامونش، رابطه‌ای

پویاست که عناصر پیرامونی را به پس زمینه می‌راند و به متن مفهوم ساختاری از عناصر به هم پیوسته را می‌دهد» (برنتر، ۱۳۸۲: ۶۶-۶۸). نمونه برجسته تغییر فونت در شعر «إلیک أیتها الجزائر» جلوه‌گری می‌کند:

«وحداتٌ من جيش التَّحریر تدخل المدينه / سماء الفجر في أحداقهم وبنادق
الزَّيتون في صيحاتهم / وإثر خطاهم نبعٌ من الفرحة» (یوسف، ۲۰۱۴، ج ۱، ۳۳۰).^{۲۰}
در این شعر و در ابتدا وقتی یگان‌هایی از ارتش آزادی وارد شهر می‌شوند، مصرعی که مربوط به خبر ورود آن‌هاست، پر رنگ‌تر از سایر مصرع‌ها نمایش داده می‌شود تا تأکیدی بر اهمیت این خبر باشد. در شعر دیگری به نام «استباحه» نیز وضع دقیقاً بر همین منوال است:

«سمتیات الامریکیه تقصف أحياء الفقراء / والصُّحف المأجوره / في بغداد / تحدت
قراء أشباحاً عن أرضٍ سوف تكونُ سماء» (همان).^{۲۱}
آمریکایی‌ها در حال بمباران کردن شهر هستند. اما روزنامه‌های جیره خوار، حادثه‌ای به این بزرگی را نمی‌بینند و سرگرم نوشتن خبرهای دیگری هستند. بنابراین لازم است که با تغییر فوت مصرع اول، توجه چشم‌هایی که عامدانه نمی‌خواهند این حادثه را ببینند، جلب شود.

سعدی یوسف در شعرهایش به کرات از کلمات و عبارات انگلیسی استفاده کرده است. یکی از دلایل این امر، آشنایی او با زبان انگلیسی و زندگی کردن در محیط انگلیسی‌زبانان است. اما از آن‌جا که مخاطب شعر او مخاطب عرب زبان است، علت اصلی این امر در بیشتر موارد همان علت تغییر فونت، یعنی برجسته‌سازی و جلب نظر است. شاعر زمانی این عبارات انگلیسی را به کار می‌برد که در متن اقتضایی وجود داشته باشد تا کار بست این عبارات انگلیسی را بطلبد؛ به عنوان مثال در شعر زیر:

«أنا أسکن حقاً في مأوی لكبار السن / (لقد جاوزتُ السبعین) / ولكن مُقامي، یقرأ /
sheltred house / لیس تماماً ما كان یسمى «دار العجزه» / أعني إني في منزله
بین المنزلتين!» (همان: ۲۲۷).^{۲۲}

شاعر در هفتاد سالگی در خانه سالمندانی نگهداری می‌شود که نام لاتین پر زرق و برقی را یدک می‌کشد. گویی یدک کشیدن این نام، تلاشی است در جهت محو ماهیت خانه سالمندان. و این امری است که ریشخند شاعر را بر می‌انگیزد. قرارداد این نام لاتین در برابر عبارت «دار العجزه» در ذهن مخاطب عرب، حالت طنزآمیزتری پیدا می‌کند تا این که این نام به رسم الخطی غیر از لاتین نوشته می‌شد. همین مسئله است که شاعر را وادار می‌کند تا بگوید خانه سالمندان به صورت کامل خانه سالمندان نیست و در منزلتی بین المنزلتین قرار دارد. چرا که نام باشکوهش، با ماهیتش هیچ‌گونه تناسب و تلائمی ندارد. در شعری دیگر نیز دو کلمه انگلیسی به این صورت به کار رفته است:

«کاتبُ السطورِ يتدخّلُ ثانيه: / هذا اليومُ ذهبِ سعدي يوسف إلى أسواقِ تيسكو / TESCO / أشتري زجاجتي نبيذ سائت إيمليون بنصف الشعر / Half price / (مصادفه محض)» (همان: ۳۴۴).^{۲۳}

آن چه از کلیت شعر برمی‌آید این است که در بازارهای تسکو تخفیف دادن اتفاقی نادر و تصادفی بوده است. چرا که شاعر توانسته در آن روز و در اتفاقی نادر، دو شیشه شراب را به نصف قیمت بخرد و این امر تعجب او را برانگیخته است. بنابراین آوردن کلمات انگلیسی وقتی در این سیاق دیده و بررسی شود، معنای مورد نظر شاعر را تکمیل می‌کند. تخفیف گرفتن از بازارهای تسکو برای شاعری که عادت به گران‌خری پیدا کرده است، امر عجیبی است و او بار اول با عربی آوردن و بار دیگر با انگلیسی نوشتن همان واژگان سعی دارد تأکید ویژه‌ای بر روی آن‌ها صورت دهد.

۴. نتیجه‌گیری

- سعدی یوسف در مجموعه اشعارش توجه ویژه‌ای به هنجارگریزی نوشتاری نشان داده‌است. پر تکرارترین گونه‌های هنجارگریزی نوشتاری در شعر او عبارتند از:

جدانویسی حروف واژه‌ها و استفاده از جای خالی، نوشتن پلکانی و عمودی سطور شعری، استفاده از اشکال هندسی و شکل تصویری اعداد، تکرار کلمات و ایجاد هماهنگی بین مفهوم واژه و شکل نوشتاری آن و تغییر اندازه قلم و استخدام واژه‌هایی از زبان انگلیسی. استفاده از جای خالی و تکرار حروف و عبارات.

- هدف اصلی از به کارگیری نشانه‌های دیداری در شعر سعدی یوسف، درست خواندن شعر، برجسته سازی متن مورد نظر، سهیم کردن مخاطب در لذت هنری و جلب توجه بیشتر مخاطب از رهگذار تصویری کردن متن است. آن‌جا که از جای خالی استفاده می‌کند، نظر داشت وقت و حوصله مخاطب مدّ نظر بوده، ضمن این‌که سهم او در برداشت آزاد محفوظ مانده است. هدف از تغییر فونت و به کارگیری اعداد در اغلب موارد، تأکید بر روی عبارات و اعداد مورد نظر بوده است. در سایر موارد، هدف از به کارگیری نشانه‌های دیداری، این بوده که مخاطب علاوه بر شنیدن شعر، آن را ببیند و آن را قابل لمس تر و در نتیجه قابل باورتر بیابد. هنجارگریزی نوشتاری، به دور از هرگونه تحمیل و تکلف و به صورت کاملاً طبیعی در شعر شاعر ریزش کرده و به مخاطب در جهت دریافت پیام، کمک شایانی کرده است.

پی نوشت‌ها

1. Geofferey Leech
2. Concrete poetry
۳. در اراپه‌ها بالا و پایین می‌شدند / دو به دو پای در بند بودند / و خوک - بمب افکن - کوسه آن‌ها را رصد می‌کرد. کدامین عراق در «سیبه» برخیزد؟
۴. و سرانجام گوشه شام نیز / به همراه گیاهش که در پشت پنجره پژمرده می‌شود، خسته خواهد شد / و سپس در نهان، این سخن تکرار خواهد شد / من آمده ام که به شیشه تکیه کنم / ظهرگاه جاریست / و درختچه‌ها با گوشه چشم او را می‌نگرند.
۵. هم اکنون از خودم پرسیدم: از چه و برای چه و در کدام مکان بنویسم؟... آیا (این) بازی‌های یک قرنه تو را خسته نکرده است؟

۶. اگر جایگاهت این جاست پس از چه رو ما را می‌فریبی؟ / از خانه‌ای در روستا می‌نویسی آن‌سان که گویی از خانواده‌ای فئودال هستی / شوخی می‌کنی زمانی که از مرتع و باغ‌ها قصه سر می‌دهی / از روباه صبحگاهی / و از آهوی وحشی در میان پرچین و سنجاب‌ها / از بالکن‌ها و روزنه‌ها می‌نویسی / از درخت‌هایی راز آلود و از اسبانی که گیاه «زعترا» را به عنوان علف می‌چینند / و از دریاچه‌هایی که در آن ماهی طلایی و ریگ دور می‌زند و از چراگاه‌هایی...
۷. ولی عاقبت تو را خواهیم دید ای نخل سماوه! / ای بردمنده خوشه و گنجشک! / ای پل هوایی / که بر روی قوس (پل مانند) انگورها خوابیده‌ای! (چنبره زده‌ای) / امروز می‌گذریم بدون هیچ خداحافظی / و بدرود نخواهیم گفت / و شب ساعت دیگری را از دست می‌دهد / آسمان در کبود دژه‌ها غرق شده است / مرغابی در کرانه‌ای دیگر شناور است / و سپیده لانه خون رنگش را بنا می‌نهد / و ستارگان سرد می‌شوند.
۸. آسمان برفرازآب خیس است / و او (تصویر او) درآب گاه مشویش و گاه راکد می‌نماید / (اندکی مضطرب و (بسیار) راکد.
۹. چه کسی این آینه را شکست / و آن را تکه تکه / در میان شاخه‌ها پراکند؟
۱۰. خراسان از دورها لطیف به نظر می‌رسد / سفید / سفید / شفاف و حریری.
۱۱. خراسان درقلب می‌تپد / سیاه / سفید / شفاف و حریری.
۱۲. مدافع نی (نیزار) دریاچه، پرنده‌ای است که در آسمانی کروی از دیده‌ها پنهان می‌شود / پرنده‌ای که در آسمان، محومی شود / پرنده‌ای که محومی شود / پرنده‌ای.
۱۳. دیگر زیر سیطره ستاره چوپانان قدیمی نیستیم / دیگر تحت سیطره چوپانان نیستیم / دیگر تحت سیطره ستاره / دیگر.
۱۴. آیا بعد از ۱۲ سال / بدون آن که به در چشم بدوزم یا خیابان را لمس کنم / و بی شکوفه‌های باغی که بوی بی بویی به من می‌بخشد / آیا بعد از ۱۲ سال... / چهره نمکینت را در آن نیافته‌ام / اگرچه فقط یک لحظه / اگر چه لحظه‌ای درآینه‌های نخل پژمرده / اگرچه درافق مغرب / آیا بعد از ۱۲ سال...
۱۵. من هم مانند بسیاری عدد ۱۳ را بدیمن می‌دانم / من در اتاق ۱۳ هتل‌ها سکونت نمی‌گزینم / خانه اوکتاویا در بروکسل، عدد ترسناک ۱۳ را با خود داشت / و برای همین قلاذه بغداد را در شب ایستگاه بازپس گرفتم / سفر شوم به سمت سواحل مسقط در ۱۳ شباط بود / اتاق عملیات، جایی که پیامبر در آن می‌میرد، همان اتاق ۱۳ بود / آخرین تبعیدگاهی که الان درآن زندگی می‌کنم، رقم وحشتناک ۱۳ را با خود دارد / و تا وقتی که بمیرم، پیوسته از عدد ۱۳ رویگردانم.

۱۶. صبح بخیر / صبح بخیر بر رفتگر / به مجری / به جوانان خسته از بحث / به سکوت «تولیدو» / به کسی که «شغیله» را دوبار بر من عرضه داشت / به جوانانی که مراحل (عمرشان) رادر قهوه‌خانه می‌گذرانند / صبح بخیر / صبح بخیر به انقلاب‌هایی که منفجر می‌شوند / به انقلابی‌ای در قهوه‌خانه صبح بخیر / به انقلابی‌ای در قلبم صبح بخیر / به همسر صبح بخیر / صبح به خیر / صبح بخیر / صبح بخیر.
۱۷. در چهره زنی که می‌شناسمش / در هجرتی به هجرتی دیگر / در درختان انجیر: / مادونا / مادونا / مادونا / در شن سنگرها / در لغزش‌های مردم / در رگبار ساکت / در اعتماد پاسبانان / در شکوفه‌ای که بر عشق اول می‌پیچد / در زبان نفس‌ها.
۱۸. گلوله این روح / مانند باد زوزه می‌کشد و پژمرده می‌کند / مانند باد پژمرده می‌کند، سپس زوزه می‌کشد / و مانند باد زوزه ای ممتد می‌کشد.
۱۹. گفته می‌شود که شاید شغالان هم اکنون پیدا شوند / گله گرگ‌ها در آستانه درند / گوشم را تیز کردم / صدای زوزه / گوشم را تیز کردم / صدای زوزه / هنگامی که شب فرابرسد، آنشم را برخواهم افروخت.
۲۰. یگان‌هایی از ارتش آزادی وارد شهر می‌شوند / آسمان سپیده در چشمانشان و تفنگ‌های زیتون در فریادشان / و در پی گام‌هاشان چشمه ای از شادی.
۲۱. هلی کوپترهای آمریکایی کوی فقیران را بمباران می‌کنند / و روزنامه‌های جیره خوار در بغداد / با خوانندگان خیالی، از زمینی صحبت می‌کنند که قرار است آسمان شود.
۲۲. من حقیقتاً در خانه‌ای مخصوص کهن سالان سکونت دارم / سنم از هفتاد سال گذشته است / ولی اقامتگاهم «شلتردهاوس» خوانده می‌شود / این خانه به تمامی آن چیزی نیست که خانه سالمندان نامیده می‌شود / یعنی من در منزلتی بین المنزلتین قرار دارم.
۲۳. من حقیقتاً در خانه‌ای مخصوص کهن سالان سکونت دارم / سنم از هفتاد سال گذشته است / ولی اقامتگاهم «شلتردهاوس» خوانده می‌شود / این خانه به تمامی آن چیزی نیست که خانه سالمندان نامیده می‌شود / یعنی من در منزلتی بین المنزلتین قرار دارم.

منابع

منابع عربی

- امتنان، عثمان الصّمادی. (۲۰۱۳م). **شعر سعدي يوسف (دراسه تحليليه)**. الطبعه الاولى، بيروت: الموسسه العربيه للدراسات والنشر.

- بوسیس، وسیله. (۲۰۱۲). «في الشعرية البصرية مفاهيم وتجليات»؛ **مجلة العلوم الإنسانية**.
جامعة قسنطينة، العدد ۳۸ ديسمير، صص ۳۹-۵۱.
- الخفاجي، أحمد رحيم كريم. (۲۰۰۳). «المصطلح السردى في النقد الادبي العربي الحديث»، رساله ماجستير، جامعه بابل، العراق.
- عثمان، أباد عبد الودود. (۲۰۱۴). «سيمياييه الشكل الكتابي واثره في تكوين الصورة البصريه»،
مجلة الديالي، العدد ۶۳، صص ۹۸-۱۲۴.
- الكبيسي، طراد. (۱۹۸۷م). «الشعر و الكتابه، القصيده البصريه»: العدد ۱، السنه ۲۲، بغداد.
- المحسن، فاطمه. (۲۰۰۰م). **سعدى يوسف النبره الخافته في الشعر العربي الحديث**:
الطبعه الأولى، دمشق: دار المدى.
- يوسف، سعدى. (۲۰۱۴م). **الليالي كلها: الاعمال الشعرية**: ج ۱، الطبعه الأولى، بيروت:
منشورات الجمل.
- (۲۰۱۴م). **حفيد أمري القيس: الأعمال الشعرية**: ج ۵، الطبعه الأولى، بيروت:
منشورات الجمل.
- (۲۰۱۴م). **قصائد الخطوه السابعه: الاعمال الشعرية**: ج ۷، الطبعه الأولى،
بيروت: منشورات الجمل.
- (۲۰۱۴م). **جنه المنسيات: الاعمال الشعرية**: ج ۳، الطبعه الأولى، بيروت:
منشورات الجمل.
- (۲۰۱۴م). **حياه صريحه: الاعمال الشعرية**: ج ۴، الطبعه الأولى، بيروت:
منشورات الجمل.
- (۲۰۱۴م). **قصائد أقل صمتا: الاعمال الشعرية**: ج ۲، الطبعه الأولى، بيروت:
منشورات الجمل.

منابع فارسی

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). **ساختار و تاویل متن**: چاپ اول تهران: مرکز.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). **فرهنگنامه ادبی فارسی (دانشنامه ادب فارسی ج ۲)**: تهران:
سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- شمبسا، سیروس. (۱۳۸۸). **نقد ادبی**: چاپ سوم، ویرایش دوم تهران: میترا.

- صالحی نیا، مریم. (۱۳۸۲). «هنجارگریزی نوشتاری در شعر امروز»: فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی، شماره یکم، ۸۳-۹۴.
- صفوی، کوروش. (۱۳۹۰). از زبان شناسی به ادبیات: ج ۱، نظم، چاپ سوم تهران: سوره مهر.
- عباس زاده، خداوردی و یوسفلو، زهرا. (۱۳۹۴). «هنجارگریزی نوشتاری در شعر نادر نادرپور و هوشنگ ابتهاج»: بهارستان سخن، سال ۱۲، شماره ۳۰، ۲۲۱-۲۳۸.
- یوهان، ویلم برتنز. (۱۳۸۲). نظریه ادبی: ترجمه فرزانه سجودی، چاپ اول تهران: آهنگ دیگر.

منبع انگلیسی

- Leech Geoffrey, N. (1991). *A Linguistic Guide to English poetry*. New York: Longman.



Abstract**A study of graphological deviation and its implications
in Saadi Youssef's poetry**

Abbas Najafi*

Naser Zare**

Introduction: Graphological deviation which is one of the eight types of deviations in Leach's classification is used by the poet when the words alone do not have enough meaning to convey a message. It gives the readers the opportunity to have their own interpretation in their interaction with the text. In graphological deviation, the poet goes beyond the usual norms in writing and attracts the reader's attention to the text. The poet makes new shapes by changing the text and makes the poem more sensible and tangible and shares the joy of artistic creation with the reader. Among the contemporary poets, the Iraqi poet Saadi Youssef tried to take his poetry as far away from sentences, words and sounds and as close to living tangible shapes. In other words, he tried to turn poetry into a visual creature rather than just a readable one. Saadi Youssef is one of the poets that graphological deviation has taken a prominent place in his poetry; in such a way that the use of graphological deviation can be considered as his stylistic feature. Therefore, most of his poems are great enough to be worth reading. In the present study, the most important types of graphological deviation in Saadi Youssef's poetry are discussed. The aim of this study is to answer the following questions by examining and analyzing the types of graphological deviation in Saadi Youssef's poetry. What are the most common types of graphological deviation in Saadi Youssef's poetry? What methods did the poet use to in order to have graphological deviations in his written texts? What are the semantic meanings of this type of deviation? **Methodology:** In the present study, an attempt is made to describe the examples of this type of deviation in the poetry of this Iraqi poet by descriptive-analytical method and by citing evidence that shows graphological deviation, and then to explain that how much the discussed deviation has naturally and unpretentiously grown in his poems. **Discussion and results:** Modern poetry is no longer just an arrangement of words together and in a definite format. If in the past, poetry was considered merely a verbal art, the poets today, however, try to convey their message to the audience as much as possible by using all the lexical and non-lexical possibilities. For this reason, sometimes a poet is silent in the lines of his poem and expects the reader to discover and understand his unspoken words through his utterances. The importance of this attitude is that the audience of the poem is in the center of importance and comes out of the passive listening body and gains a share in the joy of artistic creation. In graphological deviation, the poet goes beyond the usual norms in writing and attracts the reader's attention to the text. The poet makes new shapes by changing the text and makes the poem more sensible and tangible and shares the joy of artistic creation with the reader. According to Jeffrey Leach, the permissible limit to graphological deviation is only to the extent that communication is not interrupted and accentuation can be interpreted. Saadi Youssef paid special attention to graphological deviation in his collection of poems. The most repetitive examples of graphological deviation in Saadi Youssef's poetry are: separating the letters of words and using spaces, stepping and vertical writing of poetic lines, using geometric shapes and visual forms of numbers, repetition of words and coordination between words meaning and its written form, and change of font size and use of English words. Using spaces and the repetition of letters and phrases are two different types of graphological deviation that have frequently been used in Saadi Youssef's poetry. The main purpose of using visual cues in Saadi Youssef's poetry is to help the audience read the poem correctly, highlight the desired text, share the artistic pleasure with the audience, and attract more attention of the audience through visualizing the text. Where he uses space, he paid attention to the time and patience of the audience, while preserving their share of free perception. In most cases, the purpose of changing the font and using the numbers was to emphasize the desired phrases and numbers. In other cases, the purpose of using visual cues is to help the audience see the poem in addition to hearing it and find it more tangible and therefore more believable. Graphological deviation far from any ostentation has flowed into the poet's poetry in a completely natural way and has helped the audience in receiving the message. **Conclusion:** Findings show that the most important examples of graphological deviation in Saadi Youssef's poetry are: separating the letters of words and using spaces, stepping and vertical writing of poetic lines, using geometric shapes and visual forms of numbers, repetition of words and coordination between words meaning and its written form, and change of font size and use of English words. The purpose of using these visual signs is to attract the reader's attention and make the poetic words more effective in the field of emotion and also to emphasize the objectivity of meaning and to develop a poetic message.

Keywords: Contemporary Arabic Poetry, Iraq, Graphological Deviation, Saadi Yusuf.

- * Ph.D Student of Arabic Language and Literature at Persian Gulf University, Bushehr,
abbasnajafi3900@gmail.com
- **Associate Professor of Arabic language & Literature' Persian Gulf University of Bushehr,
(corresponding author) nzare@pgu.ac.ir